

نوع مقاله: ترویجی

روش‌های اصلاح‌گرایانه عاطفه‌مدار در تربیت اخلاقی از دیدگاه آیت‌الله مصباح

m.s.dehqan@mihanmail.ir
hnajafih@yahoo.com

محمدصادق دهقان کلور / کارشناس ارشد تربیت اخلاقی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
حسن نجفی / دکترای مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبائی
دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

چکیده

انسان تربیت‌یافته اخلاقی، فردی است که بر عواطف خود کنترل داشته و آنها را در مسیر رضایت الهی ابراز می‌کند، و این مهم نیازمند آماده‌سازی و برداشتن موانع است؛ چراکه تربیت اخلاقی در بعد عاطفی دارای دو بعد سلبی و ایجابی است؛ که در بعد سلبی، پیرایش نفس از ردایل عاطفی و در بعد ایجابی، آراستن آن به فضایل عاطفی مدنظر است. به گفته اهل عرفان، اول تخلیه، سپس تجلیه. نخست باید نفس را از آلودگی‌ها پیراست و سپس آن را با فضیلت‌های اخلاقی آراست. از این رو، می‌توان به اهمیت روش‌های اصلاح‌گرایانه عاطفه‌مدار در تربیت اخلاقی پی برد. هدف از این مقاله استخراج روش‌های اصلاح‌گرایانه عاطفه‌مدار در تربیت اخلاقی براساس دیدگاه آیت‌الله مصباح است. روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و با مراجعه به یادداشت‌ها، تألیف‌ها و سخنرانی‌های استاد انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جهت اصلاح عواطف مذموم در تربیت اخلاقی می‌توان از روش‌های پیش‌گیری، غفلت‌زادایی، تذکر، ترهیب، و موعظه بهره گرفت.

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی، بُعد عاطفی، روش‌های اصلاح‌گرایانه، دیدگاه آیت‌الله مصباح.

مقدمه

مورد بررسی در تربیت اخلاقی را می‌توان در هریک از ساحات انسان به سه بخش روش‌های ایجاد، روش‌های اصلاح‌گرایانه و روش‌های تثبیتی و تقویتی مورد بررسی قرار داد. نگاه به پیشینه بحث نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است.

مقاله «تبیین مهم‌ترین روش‌های عاطفی آسیب‌زا در تربیت، با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث ائمه» (حسین‌زاده و قاسمی، ۱۳۹۵) است. براساس نتایج این پژوهش، تبعیض میان کودکان و تحقیرشان در برابر دیگران، مهم‌ترین روش عاطفی آسیب‌زاست که با روش‌هایی همچون استهزا و تمسخر، ملامت و سرزنش، تهمت و دشنام و القاب زشت، بروز می‌یابد.

مقاله «بررسی روش‌های تربیت اخلاقی معصومان در بعد گرایشی» (دادجو و میر، ۱۳۹۵) است که در آن مواردی همچون محبت، پرورش عزت نفس، تشویق، تذکر، توبه و انذار را به‌عنوان روش ایجاد رفتار شایسته و اصلاح رفتار ناشایست معرفی گردیده است.

مقاله «روش‌های عاطفی در تربیت اصلاحی از دیدگاه احادیث» (همت بناری و امینی، ۱۳۹۹)، که در آن از مهرورزی، تشویق و ترغیب، ایجاد خوف و رجاء، توجه دادن به نعمت‌ها و عذرپذیری به‌عنوان روش‌های عاطفی در تربیت اصلاحی نام برده شده است.

در مقاله حاضر علاوه بر پاسخ به سؤال اصلی که شناسایی روش‌های اصلاح‌گرایانه عاطفه‌مدار در تربیت اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح است، به چند سؤال مقدماتی هم پاسخ خواهیم داد و آن اینکه تربیت اخلاقی در نظر استاد چه تعریفی دارد؟ و عاطفه در دیدگاه ایشان چیست و چه مؤلفه‌هایی را شامل می‌شود؟ پاسخ به سؤالات اصلی و فرعی طرح‌شده بر طبق آثار و اندیشه‌های آیت‌الله مصباح از آن جهت اهمیت دارد که ایشان از معدود اندیشمندان بودند که در کنار توجه بینش، به‌صورت جدی عواطف و گرایش‌ها را در آثار اخلاقی خود آورده‌اند و این ارائه مباحث اخلاقی عاطفی، در طول سالیان مختلف به‌صورت منظم در قالب‌های مختلف ادامه داشته و تکمیل‌تر شده است.

۱. مفهوم‌شناسی اصطلاحات اساسی

۱-۱. تربیت اخلاقی

آیت‌الله مصباح تربیت را معادل پرورش دانسته و در تعریف آن می‌فرماید: «تربیت، فراهم کردن زمینه‌هایی است برای اینکه

تلاش‌های فراوانی برای نهادینه‌کردن اخلاق در افراد و جوامع در نقاط مختلف جهان صورت می‌پذیرد. اخلاق به‌معنای ارزش انسانی است و تربیت اخلاقی یعنی ارزشمند ساختن وجود انسان که می‌تواند دارای ساحت‌های شناختی و رفتاری و عاطفی باشد. از آنجاکه بینش‌ها، عواطف و رفتارهای انسان، تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند؛ به‌طوری‌که بین محبت و معرفت یک رابطه دو طرفه وجود دارد؛ یعنی مرتبه‌ای از معرفت باید باشد، تا مرتبه‌ای از انگیزه با آن جفت شده و با پیدا شدن این مرتبه از انگیزه، زمینه برای معرفت بالاتر فراهم شود و با ادامه این روند و ایجاد محبت، زمینه برای انتخاب فعل فراهم شود (مصباح، ۱۳۹۹). از این‌رو، در فرایند تربیت باید به همه این ابعاد توجه کرد. چون تأمین سعادت و سلامت شخص و جامعه مستلزم هماهنگی، همدلی، همکاری و همیاری عقل با عواطف و احساسات است، ضعف و فقدان هریک، پویایی، بلکه اصل حرکت فرد و جامعه را در مسیر تربیت و رشد و تعالی به مخاطره انداخته؛ موجب خسارات عظیم و جبران‌ناپذیری خواهد شد. بنابراین بُعد عاطفی یکی از مؤلفه‌های مهم شخصیت است و تربیت این بُعد در تربیت اخلاقی نیز، به‌دلیل اینکه بخش بزرگی از عواطف انسان مربوط به حیطة اخلاق است، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین انواع تربیت انسان به‌شمار می‌رود و تأکید فراوان بر بُعد عقلانی و شناختی انسان و غفلت از بُعد عاطفی، جریان تربیت را دچار آسیب جدی خواهد کرد. در کنار هدف غایی تربیت اخلاقی اسلام، که عبودیت خداوند و رسیدن به نقطه اوج انسانیت یا همان کمال است؛ از اهداف میانی تربیت اخلاقی در بُعد عاطفی، در مسیر رضایت خداوند قرار گرفتن عواطف و گرایش‌ها و هیجان‌های انسان است. برای رسیدن به این هدف، نیازمند بهره‌گیری از یک‌سری روش‌های خاص هستیم؛ چراکه بخش اعظم موفقیت مربی و یک نظام تربیتی در گرو شیوه‌هایی است که او برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ کرده و به‌کار می‌بندد. به همین جهت گزاره نیست اگر بگوییم که خطرترین و دشوارترین مرحله از فرایند تربیت، تعیین و تشخیص روش تربیتی و استفاده و به‌کارگیری صحیح و مؤثر آن است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۲). حال که این مؤلفه از حیث کاربرد برای مریبان اخلاق و تربیت، دارای اهمیت بالایی است؛ لازم است با نگاهی تخصصی‌تر به این موضوع پرداخته شود و روش‌های تربیت اخلاقی در ساحت‌های مختلف (شناخت، عواطف، رفتار) از منظر اندیشمندان مسلمان شناسایی و در اختیار مریبان قرار بگیرد. روش‌های

استعدادها و نیروهای یک موجود رشد کند، تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره‌مند شود» (مصباح، ۱۳۹۵، ص ۲۷-۲۸). استاد با مفروض گرفتن انواع تربیت‌های موجود در جامعه و مقایسه آنها با یکدیگر، تربیت اخلاقی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «تربیت اخلاقی برنامه‌ریزی برای رشد اخلاق و رفتارهای اخلاقی متریبان در جهت مطلوب اسلام است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۶). البته این رفتارهای اخلاقی ملاک‌هایی نیز دارد. در این ارتباط باید افزود که حقیقت و ملاک ارزش‌ها، آن کمالی است که در روح انسان پدید می‌آید و انسان را به سوی خداپرستی و قرب حق تعالی رهنمون می‌کند. این کمال یک مفهوم قراردادی نیست و به‌سان نیروی بدنی، یک حقیقت و واقعیت است؛ البته این کمال باید در اثر اعمال اختیاری خود انسان حاصل شود، تا دارای ارزش اخلاقی گردد و انسان صاحب کمال، به کرامت واقعی و شرف حقیقی دست پیدا کند (مصباح، ۱۳۷۵، ص ۸۴). ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «معیار ارزش‌گذاری رفتارهای اخلاقی، تابع تأثیری است که هر رفتار اخلاقی در تحصیل آن نتیجه مطلوب، یعنی کمال و سعادت حقیقی انسان، دارد؛ اگر تأثیر مثبت داشته باشد، رفتار اخلاقی دارای ارزش مثبت خواهد بود و فضیلت شمرده خواهد شد؛ اگر نتیجه منفی داشته باشد، رفتار اخلاقی دارای ارزش منفی است و ردیلت خوانده می‌شود؛ اگر بالفرض هیچ تأثیری نداشته باشد، فاقد ارزش خواهد بود (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۳۲۸).

۱-۲. عاطفه

عاطفه در معنای لغوی و رایج در عرف، کششی است نفسانی که کسی درباره دیگری در خود احساس می‌کند (مصباح، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۹۱) و در قالب گرفتگی، انبساط چهره، انس‌گیری، انزوایلی، فعالیت، و مانند اینها خودنمایی می‌کند (مصباح، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۱). در مورد تعریف اصطلاحی عاطفه می‌توان گفت که هریک از روان‌شناسان از زاویه خاصی به عاطفه نگریسته‌اند؛ به‌همین دلیل تاکنون تعریف مشترک و جامع و کاملی در این زمینه بیان نکرده‌اند. برخی، عاطفه را به «واکنش هیجانی به شیئی یا وضعیتی» تعریف کرده‌اند. از نظر اینان، شیء یا وضعیت معنای وسیعی دارد که یکی از مصادیق آن، مکان ویژه عبادت یا نوعی مراقبه است. اینان اصطلاح عاطفه را کل طیف احساسات اعم از ترس، شادی، احترام، تنفر و...

می‌دانند (اسپلیکا و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۲).
 در فرهنگ تعلیم و تربیت (حسینی نسب، ۱۳۷۵) در تعریف عاطفه آورده است: «حالت هیجانی شخص که اندیشه او را همراهی می‌کند عاطفه خوانده می‌شود». در فرهنگ توصیفی علوم تربیتی آمده است: «برخی توضیحات حالت هیجانی شخص که اندیشه او را همراهی می‌کند، عاطفه خوانده می‌شود» (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۷۸، ذیل واژه affect). براساس نظر رپر (۱۳۹۰) در فرهنگ روان‌شناسی توصیفی، عاطفه اصطلاحی است که کم‌وبیش با هیجان، تهییج‌پذیری، احساس و مانند آن مترادف است. همچنین به معنای میل و رغبت و گرایش نیز به‌کار رفته است (برین، ۱۳۹۳، ص ۸). این اصطلاح همان خلق‌وخوست که البته بیشتر برای حالت‌های هیجانی شایع‌تر و با دوام استفاده می‌شود. اما در مجموع می‌توان چند ویژگی خاص را در مورد مفهوم عاطفه با توجه به تعاریف گفته‌شده، بیان کرد که معنای عاطفه در این مقاله نبر هست: ۱. حالت روانی؛ ۲. انفعال و انجذاب داشتن که شامل حالات ممدوح و مذموم است؛ ۳. نیروی برخاسته از کشش‌های درون و محیط که واکنشی است نشئت‌گرفته از جاذبه‌های پیرامون انسان؛ ۴. معمولاً همراه با هیجان هستند. مطابق نتایجی که بلوم (۱۹۵۶) ارائه داده، حیطه عاطفی به احساس‌ها و هیجان‌ها می‌پردازد (سیف، ۱۴۰۰، ص ۴۷۰). گاهی از این بُعد به ساحت گرایشی یا میل نیز یاد می‌شود. ساحت گرایشی شامل میل‌ها، کشش‌ها و جاذبه‌های متعدد است که در روان‌شناسی از آنها به تعبیری مانند عواطف، انفعالات، احساسات و هیجانات یاد می‌شود (مصباح، ۱۳۸۶ الف، ص ۸۷). بسیاری از روان‌شناسان واژه‌های عاطفه و هیجان و انگیزش را باهم درآمیخته‌اند و در تعریف هریک از این عناوین، از عنوان دیگری کمک گرفته‌اند (بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۷۰). براساس دیدگاه آیت‌الله مصباح (۱۳۹۱، ص ۳۳۲) مواردی مثل تمایلات غریزی، محبت، عشق، نفرت، کینه، خشم، غضب، ترس، امید، یأس، اضطراب، شادی، غم، تجلیل، تحسین، پرستش و مانند این امور را می‌توان به ساحت عاطفی و گرایشی مربوط دانست.

۲. روش‌های اصلاح‌گرایانه عاطفه‌مدار در تربیت اخلاقی

روش‌های اصلاح‌گرایانه عاطفه‌مدار تربیت اخلاقی که هدف آنها حذف یا مبارزه با ردایل عاطفی و رفتارهای ناشایست اخلاقی است (داودی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۳)، نقش مهمی در کنترل عواطف و مهار و تضعیف گرایش‌های

منفی و همچنین تعالی‌بخشی و رشد و کمال‌متری دارد و ممکن است برای پیش‌گیری از تشدید یا درمان این گرایش‌ها مورد استفاده قرار گیرند. گرچه بسیاری از روش‌ها، هم برای پیش‌گیری کارآیی دارند و هم برای درمان. در ادامه به بررسی روش‌های اصلاح‌گرایانه عاطفه‌مدار تربیت اخلاقی بر آثار علامه مصباح پرداخته می‌شود:

۲-۱. پیش‌گیری

روش‌های مهار و تضعیف‌گرایش و عواطف منفی ممکن است برای پیش‌گیری از تشدید یا درمان این گرایش‌ها مورد استفاده قرار گیرند؛ گرچه بسیاری از روش‌ها هم برای پیش‌گیری کارآیی دارند و هم برای درمان. در ادامه به تعدادی از شیوه‌های پیش‌گیری از تشدید عواطف منفی که جهت اصلاح آن نیز کارآیی دارند، طبق آثار آیت‌الله مصباح می‌پردازیم:

الف. دوری از محیط هیجان‌ساز منفی

ما اگر بخواهیم از شر هیجان‌ات و عواطف منفی در امان باشیم، باید از پیدایش هیجان منفی و از چیزهایی که موجب تقویت این هیجان و احساسات می‌شود، جلوگیری کنیم، و گرنه مثل انسانی می‌مانیم که در یک سراسیمی شروع به دویدن می‌کند و وقتی خوب سرعت گرفت، دیگر اختیار از دستش می‌رود و نمی‌تواند جلوی خودش را بگیرد، بخصوص در دوران شور جوانی؛ که اگر این شور تحت کنترل یک دستگاه تبلیغی قرار گیرد و دائماً شعارهای هیجان‌انگیز بر او فرود آید، دیگر مجال اندیشیدن نمی‌یابد. درست چنان که کسی زیر آبشاری تند و بلند تن بشوید، دیگر فراغت دیدن اطراف را نمی‌یابد و مجبور است چشم‌ها را زیر فشار آب فرو بندد (مصباح، ۱۳۹۱ الف، ص ۴۳۱). از این‌رو، دوری کردن از محیط‌هایی که انسان را به سمت عواطف منفی می‌کشاند و یا در صورت وجود، آن را تشدید می‌کند، یک روش موثر در اصلاح است؛ چراکه آدمی معمولاً از محیط خود و رفتار دیگران متأثر می‌گردد و درصدد است به‌گونه‌ای رفتار کند که با دیگران مخالفت نکند و در بین مردم انگشت‌نما نباشد و گاهی اوقات خیلی سریع و گسترده اثر می‌پذیرد، که مبدا برای چند لحظه و یک گام از جمع عقب افتد. به بیان دیگر، آدمی وقتی می‌بیند مردم به چیزی اهمیت می‌دهند، او چون فرصت ندارد حساب کند و یا تجربه کند که آیا این شیء این قدر اهمیت دارد یا خیر؟ و آیا این عمل

صواب است یا خطا؟ و از آنجاکه می‌خواهد از دیگران هم عقب نماند؛ سریع تحت تأثیر محیط و افکار عمومی واقع شده و از جمع پیروی می‌کند. بی‌تردید اجتماع و رفتارهای جمعی و محیط، تأثیر نافذی در رفتار افراد دارد (مصباح، ۱۳۹۰ الف، ص ۳۱۷). از این‌رو، باید از محیط‌هایی که عواطف منفی انسان را تشدید می‌کنند، دوری کرد.

ب. پرهیز از ارتباط با افراد ناسالم از حیث عاطفی

برای نجات از عواطف مذموم، ابتدا باید با رفیق‌های ناشایست قطع رابطه کرد، و گرنه تا رفیق بد باشد، خواه ناخواه انسان را به زشتی فرامی‌خواند. اگر انسان بخواهد با هر کس که دلش می‌خواهد معاشرت کند، آرام آرام از دست می‌رود. اگر انسانی می‌خواهد خودش را اصلاح کند، باید با رفیق‌های ناشایست رابطه‌اش را قطع کند (ر.ک: مصباح، ۱۳۸۶ ب). عدم ارتباط با افراد ناسالم نیز در این قضیه بسیار مهم است؛ چراکه در قرآن کریم آمده است: «يَا وَيْلَتَى لَيْتِي لَمِ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا» (فرقان: ۲۸)؛ وای بر من! کاش فلان شخص را به دوستی صمیمانه برنگزیده بودم. همچنین در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: «يَنْبَغِي لِمَنْ أَرَادَ صَلَاحَ نَفْسِهِ وَ إِحْرَازَ دِينِهِ أَنْ يَجْتَنِبَ مُخَالَطَةَ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ح ۱۰۹۵۱)؛ کسی که صلاح خویش و حفظ دین خد را می‌خواهد، سزاوار است که از هم‌نشینی با دنیاپرستان دوری کند.

ج. حفظ عفت و حیا

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «لِعِفَّةٍ تُضَعَّفُ الشَّهْوَةَ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۳، ج ۶ ص ۳۵۹)؛ عفت شهوت را سست می‌گرداند. از قرآن کریم نیز استفاده می‌شود که عفت یکی از کلیدی‌ترین مفاهیمی هست که نقش بازدارندگی را در هیجان‌ات منفی و رفتارهای ناروا ایفا می‌کند. به گفته *راغب اصفهانی*، عفت عبارت از حالتی در نفس انسان است که مانع از چیرگی شهوت و هوای نفسانی بر انسان می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۵۷۳). به عبارت دیگر، عفت عبارت از کنترل و مهار نفس در برابر تمایلات نفسانی ناروا در هر شخص و در هر موضوع (همان) و انقیاد نیروی شهوت در برابر امر و نهی عقل است (همان). در اینجا مناسب است معنای شهوت نیز بیان شود. شهوت عبارت از میل شدید نفس به چیزی است (فیومی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۳۲۶). حیا نیز معنایی بسیار نزدیک به عفت دارد؛

مذموم دارد، کنترل‌گریزه جنسی به‌عنوان یکی از شرایط رسیدن به فلاح و رستگاری است. به‌طوری‌که در سوره «مؤمنون» برای مسئله کنترل‌گریزه جنسی به‌تنهایی سه آیه (آیات ۷۰ و ۷۱) اختصاص یافته است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ، إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ». در هر صورت، برای رسیدن به فلاح، و رهایی از خطراتی که در این مسیر وجود دارد و دام‌هایی که شیطان گسترده است، انسان باید کاملاً مراقب‌گریزه جنسی باشد و به هر ندای شیطانی پاسخ مثبت ندهد. باید بسیار مراقب باشیم تا نعمتی را که می‌تواند ابزار تکامل و پیشرفت ما باشد، به‌نعمت و مانعی بر سر راه کمال خویش مبدل نسازیم. در این باره اگر به مقتضای فطرت عمل کنیم، گریزه جنسی زمینه‌ای می‌شود برای رسیدن به مودت، رحمت، آرامش و سکون روحی و عواطف مثبت و عدم بروز عواطف منفی: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه از [جنس] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرامش یابید، و میان‌تان دوستی و رحمت قرار داد. برای کنترل‌گریزه جنسی و حفظ پاک‌دامنی و پرهیز از آلودگی، مقدماتی لازم است که اگر انسان آن مقدمات را فراهم نکند، امکان خطا و لغزش در مسئله‌گریزه جنسی افزایش می‌یابد. از همین رو، احکام شرعی متعددی در همین زمینه قرار داده شده تا همگان، به‌ویژه جوانان و کسانی که قادر به ازدواج نیستند، از آلودگی‌های جنسی محفوظ بمانند. از جمله این مقدمات که بسیار اهمیت دارد، کنترل نگاه و چشم است. قرآن کریم در سوره «تور» به رابطه بین کنترل چشم و محفوظ ماندن از آلودگی‌های جنسی اشاره می‌کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ، وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور: ۳۰ و ۳۱)؛ به مردان مؤمن بگو چشم‌های خود را [از نگاه به نامحرمان] فروگیرند و پاک‌دامنی‌ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است [و] خداوند به آنچه می‌کنند آگاه است؛ و به زنان بالیمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فروگیرند و پاک‌دامنی‌ورزند (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۸۷).

بنابراین کنترل چشم یکی از عوامل مهم برای مهار گریزه جنسی جهت جلوگیری از افتادن به عواطف مذموم است، که یکی از لغزشگاه‌های ناشی از طغیان این گریزه می‌باشد. البته تنها چشم نیست و کنترل‌های دیگری نیز باید در این زمینه اعمال شود. برای مثال،

زیرا حیا به‌معنای خودداری نفس از زشتی‌هاست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۰، ماده حیی). ستایش خدا از افراد عقیف مانند حضرت یوسف (یوسف: ۲۸ و ۱۲)، دختران شعیب (قصص: ۲۳ و ۲۵) و اصحاب صفه (بقره: ۲۷۳) از ارزش والای حیا و عفت حکایت دارد. پیدایش چنین حالتی در نفس انسان که بتواند در برابر محرکات بسیار شدیدی همانند شهوات جنسی خودنگهدار باشد، بدون زمینه‌سازی و بدون اتکا به عوامل ایجادکننده آن، ممکن نیست. مهم‌ترین عامل آن ایمان و مراقب دانستن خدا بر اعمال خود است. پایه‌گذاری پیدایش فضیلت عفت از محیط خانه است و در آنجا باید تمرین شود. کودکان شرم و حیا و پاکدامنی را از والدین و بزرگ‌ترها در خانه می‌آموزند؛ بنابراین معاشرت‌ها و رفتارها باید به‌گونه‌ای باشد که سبب بی‌مبالاتی و دریده‌شدن پرده‌های حجب و حیا نشود. خلوت‌گاه افراد بخصوص معاشرت‌های خصوصی والدین با حداکثر پرده‌پوشی همراه باشد. قرآن در این باره جزئیات را نیز گوشزد کرده و فرموده است در وقت خلوت بدون اجازه وارد خوابگاه دیگران نشوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَصَوُّونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور: ۵۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید بندگان شما و آنها که هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه هنگام از شما برای وارد شدن به خانه، رخصت طلبند: پیش از نماز صبح و هنگام ظهر که لباس از تن بیرون می‌کنید و بعد از نماز عشا. این سه وقت، وقت خلوت شماست. در غیر آن سه هنگام، شما و آنها گناهی مرتکب نشده‌اید، اگر بر یکدیگر بگذرید. خدا آیات را اینچنین برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است. همچنین به دلیل اهمیت جایگاه خانواده و نقش آن در ایجاد حجب و حیاست که فرد غریبه حق ندارد بدون اجازه و بدون حضور صاحب‌خانه وارد محل مسکونی شود؛ تا جایی که حتی اگر صاحب‌خانه حضور داشت، ولی اجازه ورود نداد، مراجعه‌کننده موظف به برگشت است. وجود این احکام و رعایت آن، سبب پاکیزگی روح است (نور: ۲۷ و ۲۸).

د. جلوگیری از طغیان گریزه جنسی

یکی دیگر از موضوعات، که اهمیت بالایی در پیشگیری از عواطف

فشار باورهای غلط اجتماعی و فرهنگی) که بخشی از این امور اخلاقی مربوط به عواطف انسانی است.

وقتی اهمیت صبر روشن می‌شود که بنگریم صبر چه نقشی در زندگی انسان و تکامل او در جهت جلوگیری از سقوط در عواطف مذموم دارد و اینکه پی ببریم که تکامل انسان به چه وسیله‌ای حاصل می‌شود. تکامل انسان بر اثر اعمال اختیاری او حاصل می‌شود؛ یعنی هنگامی که شخصی با دو کشش متضاد روبه‌رو شد و کششی را برگزید که او را به سوی کمال دعوت می‌کند، جوهر انسان و کمال او در این ظاهر می‌شود که آنچه مرضی خداوند است انتخاب کند. پس تکامل انسان در صحنه رویارویی با دو کشش متضاد تحقق می‌یابد. در چنین میدان‌هایی است که انسان باید از خودش مایه بگذارد و چیزی را انتخاب کند که مرضی خداوند است. اگر در این صورت انگیزه ایمانی و فطری قوی‌تر بود که او را به حق دعوت کند، به کمال لایق خود رسیده است؛ اما اگر عامل نفسانی و شیطانی قوی‌تر بود، در جنگ بین دو کشش، انسان می‌لغزد و به سمتی می‌رود که سقوط او در آن است (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۲۲). در واقع صبر به‌عنوان یک عامل اصلی در کنترل عواطف منفی جهت کشیده نشدن به ورطه سقوط تأثیر بسیاری دارد. صبر فضیلتی است که در تمام اعمال و مراحل زندگی نقش اساسی دارد. خدای سبحان در آیات ۶۳-۷۵ سوره مبارکه «فرقان» در مقام معرفی عبدالرحمان روحیه تعبد، اخلاق مداری و کنترل بر رفتارهای خود، مانند خودداری از پرخاشگری در برابر رفتار جاهلان، پرهیز از زیاده‌روی یا خست در انفاق و حفظ اعتدال در آن را معلول صبر آنان بر سختی‌های تکلیف و نامالیقات می‌داند. فضیلت صبر به جهت نقش مهم آن در حفظ حیات ایمانی، بازدارندگی آن از ضعف، سستی و وادادگی در انجام تکالیف، پرهیز از رفتارهای صرفاً هیجانی و احساسی و مانع شدن از خروج انسان از حالت اعتدال در امور است. در روایاتی که اهل بیت علیهم‌السلام نیز نقل شده، مثل «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّاسِ مِنَ الْجَسَدِ» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۷)؛ جایگاه صبر نسبت به ایمان، به جایگاه سر نسبت به بدن تشبیه شده است.

در ادامه مواردی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم از آثار *آیت‌الله مصباح* در جهت پیش‌گیری و اصلاح عواطف منفی نقش مؤثر دارند را به صورت تیتروار بیان می‌کنیم که بررسی تفصیلی هر یک نیاز به تحقیق جداگانه ای دارد.

پرهیز دادن متریبان از:

موسیقی‌ها و آهنگ‌هایی وجود دارد که بسیار مهیج است و گوش دادن به آنها باعث تحریک شدید غریزه جنسی می‌شود. از این‌رو، علاوه بر چشم، گوش را هم باید کنترل کرد و از شنیدن چنین آهنگ‌ها و موسیقی‌هایی بازداشت. یا رمان‌ها و داستان‌هایی وجود دارد که در زمینه مسائل جنسی بسیار اغواگر و تحریک‌کننده هستند و خواندن برخی از آنها ممکن است حتی از دیدن و تماشای بسیاری از فیلم‌ها تحریک‌کننده‌تر باشد. طبیعی است که برای جلوگیری از طغیان شهوت، باید از خواندن چنین متن‌ها و داستان‌هایی خودداری ورزید. همچنین وارد شدن در عرصه شوخی‌ها و بذله‌گویی‌های جنسی و زشت و تحریک‌کننده، می‌تواند زمینه‌ای برای انحرافات جنسی باشد. که رعایت این موارد ضروری هستند (مصباح، ۱۳۸۸، ب، ص ۸۹).

ه. صبر

صبر نقیض جزع و بی‌تابی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۹۶۶). برخی گفته‌اند صبر عبارت است از خویش‌داری در تنگناها، به مقتضای عقل و شرع؛ یا خودکنترلی در برابر چیزی که عقل و شرع اقتضای آن را دارند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۴). دستیابی انسان به این مرحله از استحکام درونی که در هر تنگنایی از حالت اعتدال خارج نشده و بتواند در توفان عواطف و هیجانات خود را حفظ کند، نیازمند زمینه‌سازی‌های پیشین است. دعوت قرآن به صبر شامل همه اقسام آن می‌شود. این آیه شریفه که فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهداری کنید و از خدا پروا کنید؛ امید است که رستگار شوید)، به‌صورت مطلق، مؤمنان را امر به صبر کرده، نه صبر در مورد خاصی. خطاب مؤمنان دلیل بر این است که ایمان آنان باید چنین اقتضایی داشته باشد. در این آیه چهار امر آمده است که همه این اوامر مطلق و بدون قید است؛ بنابراین امر به صبر، صبر تک‌تک افراد در موارد گوناگون است. پس صبر جلوه‌ها و انواع گوناگونی دارد: صبر در مصایب و بلاها، صبر بر طاعت، صبر در مقابل معصیت، صبر اخلاقی، مانند صبر در هنگام خشم، صبر بر انتقام، صبر در برابر شکم‌بارگی و شهوت، صبر در برابر میل به باوه‌گویی و سخنان بی‌بوده، صبر در رازداری و دم‌فروستن، صبر در راه اندیشه (سازش‌ناپذیری و دست‌نکشیدن از مواضع فکری در برابر

۱، ص ۱۶۰-۱۷۰). تا زمانی که انسان پرده غفلت را کنار نزده باشد نه تنها ترکیب‌های در بعد عاطفی انسان رخ نمی‌دهد؛ بلکه اساساً انسان جایگاه خود در جغرافیای هستی را نیز در نخواهد یافت. به همین دلیل است که می‌بینیم در برخی از آیات قرآن علت محرومیت انسان از سعادت و گرفتار شدنش به شقاوت، همین عامل غفلت دانسته شده است: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ... أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (انعام: ۱۷۹)؛ به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم... آنها همان غافلان‌اند. خداوند نمی‌فرماید: «آن‌ها همان جاهلان‌اند» و اینها به سبب جهلشان به جهنم سرازیر شدند؛ بلکه می‌فرماید به دلیل غفلت به این عاقبت گرفتار شدند. غفلت باعث ضعیف شدن قلب - یعنی همان مرکز ادراک و احساس - می‌شود؛ و با ضعیف شدن قلب درک حصولی یا حضوری انسان درباره حقایق کم‌رنگ می‌شود و ذهن او به هرزگی می‌گراید و در این حالت به همه چیز می‌پردازد، جز به خودش. به دنبال هرزگی عقل و ذهن، احساسات و عواطف او نیز ضعیف می‌شود و دیگر از مشاهده وضعیت غم‌انگیز دیگران هم تأثیری احساس نمی‌کند. علامه مصباح در این باره می‌فرماید: برای رفع این حالت انسان باید توجه خود را به بیرون کم کند و به درون خود بیشتر بپردازد. به عبارت دیگر، باید درون‌گرا شود. در اینجا دو نکته مطرح است: یکی اینکه وقتی به خودش توجه می‌کند، به چه چیز باید بیندیشد و از چه زاویه‌ای باید به خودش بنگرد؟ مهم‌ترین عاملی که انسان می‌تواند به آن بپردازد، ارتباط با خداوند است. اصل همه کمالات انسان در تقویت این رابطه است و سرانجام چنین ارتباطی بالاترین کمال انسان، یعنی قرب به خداست. نکته دیگر این است که از موانع توجه به این رابطه باید دور شود و موقعیتی فراهم آید که توجه انسان به صورت طبیعی به عوامل بازدارنده معطوف نشود. خلوت بهترین فرصت و موقعیت است. میان انبوه جمعیت و هنگامی که در خیابان راه می‌رویم، یا به تماشای طبیعت مشغولیم، تمرکز کردن و یافتن خود آسان نیست؛ چراکه عوامل بیرونی دائماً فکر را می‌پراکند. در مواقعی که زمینه غفلت فراهم است، فرصتی برای حضور قلب و ارتباط با خدا باقی نمی‌ماند (مصباح، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰). راه‌های دیگری نیز برای خروج از غفلت در آثار استاد بیان شده است؛ از جمله بهره‌گیری از استاد اخلاق است؛ برای اینکه برای عواطف و احساسات فرد برنامه مشخص کند و به نوعی اولویت‌ها را تشخیص داده و برای آنها برنامه‌ریزی کند. چنین استادی جهت خروج از غفلت بسیار مفید خواهد بود. ولی اگر انسان به چنین استادی دسترسی پیدا نکرد، باید خود کتاب‌های اخلاقی

- احساس ناامیدی (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۵۲)؛
 - تحقیر، تمسخر، تنبیه، مقایسه و سرزنش در تعامل با دیگران (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۱۴)؛
 - خودکم‌بینی، با توجه به داشته‌های الهی، به‌ویژه کرامت ذاتی انسان (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۱۸)؛
 - تکبر و خودشیفتگی با بیان و توصیف آفت‌های روان‌شناختی خودشیفتگی مانند از خودراضی بودن، افت عقلانی و انزوای عواطف جمعی (مصباح، ۱۳۹۴، ص ۲۰۶)؛
 - کوچک شمردن گناه و نافرمانی خداوند (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱).
 هشدار متریبان نسبت به:
 - ایمن‌انگاری خود از مکر الهی (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۶۹)؛
 - آسیب‌های افراط و تفریط در مهرورزی و ارتباطات عاطفی (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۲۷۸)؛
 - دور بودن انسان بی‌عاطفه از رحمت خداوند (فتال نیشابوری، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۳۷)؛
 - پرهیز دادن مریبان و متریبان از افراط در ملامت اطرافیان خطاکار، به‌ویژه فرزندان (مصباح، ۱۳۹۰، الف، ج ۲، ص ۲۴۶)؛
 - حذف زمینه‌های حسادت، رقابت ناسالم و انتقام‌جویی با ایجاد رقابت سالم میان متریبان (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۰۰)؛
 - اجازه دادن به متریبان برای تخیله عاطفی و هیجانی (گریه و خنده) در ارتباطات عاطفی با دیگران (مصباح، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳)؛
 - مشارکت دادن متریبان در رفتارهای خیرخواهانه (مصباح، ۱۳۹۰، الف، ج ۲، ص ۱۷۷)؛
 - زمینه‌سازی برای حضور متریبان در جمع نیازمندان و مراکز خیریه (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۰۲)؛
 - زمینه‌سازی برای سفر و دیدار از طبیعت زیبا و متنوع (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۴۶۰).

۲-۲. غفلت‌زدایی

غفلت به هرگونه بی‌خبری، بی‌توجه بودن و توجه نداشتن به چیزی از واقعیت‌های فطری و آینده و گذشته گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۲۱). غفلت ریشه تمام انحرافات، اشتباهات و سقوط‌های عاطفی انسان است. علامه مصباح می‌فرماید: «عامل اصلی و منشأ سقوط و انحطاط و مانع ترقی انسان، غفلت است» (مصباح، ۱۳۹۱، ج

و مبانی دینی را به خوبی مطالعه و بررسی کند و براساس آنها، برای خود برنامه‌های تدوین کند. این برنامه اولاً باید مستمر و تدریجی باشد تا نفس انسانی بتواند آن را تحمل کند و در مقابلش مقاومت نکند؛ و ثانیاً نباید مزاحم تکالیف واجب انسان باشد. از روش‌های دیگر خروج از غفلت‌های عاطفی، داشتن رفیق خوب در مسیر زندگی است. رفیقی که دیدنش یاد خدا را در دل انسان زنده کند و وقتی سخن بگوید، بر علم انسان افزوده شود؛ چنان رفتار کند که انسان را مشتاق لقای پروردگار کند. در روایتی نقل شده است: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا رَزَقَهُ اللَّهُ خَلِيلًا صَالِحًا»؛ اگر خداوند اراده خیر درباره کسی داشته باشد، رفیقی صالح نصیب او خواهد کرد (مصباح، ۱۳۹۸، ص ۱۲۰-۱۳۰).

۲-۳. تذکر

«تذکر» یعنی طلب کردن چیزی که از دست رفته و به معنای یادآوری است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ذیل ماده «ذکر»). علاوه بر این، این واژه در معنایی نزدیک به اخطار و هشدار نیز به کار می‌رود. وقتی گفته می‌شود: به بازی کن خاطی تذکر داده شد؛ مراد از تذکر تنها یادآوری نیست؛ بلکه مراد، مرتبه‌ای بالاتر از یادآوری خطا و پایین‌تر از اخطار و هشدار است. وضعیت انسان در این دنیا به گونه‌ای است که گرایش‌ها، عواطف، احساسات و رفتارهای مادی، زودتر از گرایش‌ها و عواطف عالی بروز و ظهور پیدا می‌کنند؛ زیرا انسان به‌طور معمول، توجه بیشتری به آنها دارد و همین موجب می‌شود زمینه برای رشد عواطف عالی، تنگ و محدود گردد و رشد و شکوفایی آنها مستلزم فعالیت بیشتری باشد. یکی ابزارهای نیل به این هدف، روش تذکر است. روش تذکر فرد را وادار می‌کند برخلاف میل باطنی‌اش به عواطف عالی نیز توجه کند که همین باعث می‌شود که به تدریج میل به عواطف دانی از بین رفته و جای خود را به عواطف عالی بدهند. در ادامه به شیوه‌هایی که به‌وسیله این روش می‌توان عواطف و گرایش‌های مذموم را اصلاح کرد، می‌پردازیم:

الف. تذکر دادن به آثار و نتایج سوء (بیان پیامد عواطف مذموم)

تذکر پیامد عواطف و گرایش‌های مذموم اخلاقی موجب می‌شود در مرتبه نسبت به عواطف و گرایش‌های مذموم نفرت و کراهت به‌وجود آید. نفرت و کراهت سرچشمه انگیزه ترک عواطف ناپسند می‌شود؛

زیرا انسان طبیعتاً از آنچه به او زیانی می‌رساند، متنفر است و از آن پرهیز می‌کند. اگر انسان تصدیق کند که کاری برای او منفعت قابل توجهی در پی دارد، به انجام آن کار اشتیاق پیدا می‌کند، و اگر تصورش این باشد که آن کار ضرر مهم و قابل توجهی برایش به همراه دارد، از آن اجتناب می‌ورزد. علامه مصباح نیز در این باره می‌فرماید: اصولاً یک راه عمومی تعلیم و تربیت همین است که اگر بخواهند کسی را از کاری و چیزی برحذر بدارند، آن را تحقیر می‌کنند و عیب‌ها و بدی‌های آن را برایش بیان می‌کنند. امیرمؤمنان علیؑ درباره تحذیر از محبت دنیا، در نهج البلاغه مکرر از این روش استفاده کرده‌اند. آن حضرت با بیانات مختلف، پستی و حقارت دنیا را بیان فرموده‌اند؛ از جمله در جایی می‌فرمایند: «لَأَلْقِيَنَّ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَزٍ...» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۲)؛ این دنیای شما نزد من از عطسه بزی بی‌ارزش‌تر است! این دنیا نزد من بیش از این ارزش ندارد! در جایی دیگر می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقِ خَنْزِيرٍ فِي يَدِ مَجْذُومٍ»؛ به خدا سوگند این دنیای شما در چشم من پست‌تر است از استخوان خوکی که در دست شخصی گرفتار به بیماری خوره باشد! (مصباح، ۱۳۸۸ق، ص ۵۷).

ب. تذکر دادن به لذت بالاتر و بادوام‌تر در صورت ترک رذیله عاطفی

به‌عنوان نمونه در مورد عاطفه مذموم محبت به دنیا، باید گفت که بیرون کردن محبت دنیا از دل، کار ساده‌ای نیست. ما از ابتدای تولد با این محبت انس گرفته‌ایم. نخستین لذتی که در این دنیا چشیده‌ایم، لذتی مادی و دنیایی بوده است. کودک با اولین چیزی که آشنا می‌شود شیر مادر است که یکی از متاع‌های دنیاست. خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های دیگر و سایر مواهبی که ما در چند سال اول زندگی با آن سروکار داریم، همه از همین قبیل هستند. اصولاً تا چند سال، آدمی از نظر بلوغ عقلی در حدی نیست که خواسته‌ها و لذایذ معنوی برایش مطرح و قابل درک باشد و فقط دنیا و لذایذ مادی را می‌فهمد و می‌طلبد. از این‌رو، طی چند سال، انسان با لذت‌های دنیا خو می‌گیرد و انس پیدا می‌کند و طبیعی است که این محبت در دلش ریشه بدواند. اکنون صحبت بر سر چگونگی تضعیف این محبت است. اولین قدم در این راه آن است که توجه کنیم همه این لذت‌هایی که در دنیا هست، شبیه آن، ولی بسیار بهتر و بادوام‌ترش در سرائی دیگر وجود دارد و در

کنیم. آنچه می‌تواند بر همه اینها غلبه پیدا کند، محبت خدا و لذت انس با او و همچنین انس با اولیای خدا، مخصوصاً وجود مقدس حضرت ولی‌عصر (عج) است (مصباح، ۱۳۸۸ج، ص ۶۵).

۲-۴. ترهیب

ترهیب از «رهبه» یا «رهب» مشتق شده و به معنای خوف و ترس است؛ یعنی ایجاد خوف و ترس نسبت به چیزی در یک یا چند فرد (انیس ابراهیم و دیگران، ۱۳۶۷، ذیل ماده رهب). در سیره معصومان^{علیهم‌السلام} برای ترهیب مخاطب از شیوه انذار و وعید استفاده شده است. انذار عبارت است از ابلاغ پیام، همراه با ترساندن (طریحی، ۱۳۸۷، ذیل ماده نذر). واژه انذار و مشتقات آن بیش از ۱۲۴ بار در قرآن کریم به کار رفته است. اهمیت این روش تربیتی به اندازه‌ای است که خداوند متعال در قرآن کریم رسالت پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} را در بعضی موارد در روش انذار خلاصه می‌کند و به صورت حصر و اختصاص می‌فرماید: «إِنَّ أُمَّتَ الْآزِفِ نَذِيرٌ»؛ تو فقط انذارکننده‌ای. علامه مصباح در مورد این روش می‌فرماید: «در تربیت اسلامی بیشتر بر عناصری که در حرکت انسان مؤثرند، تکیه می‌شود. محرک اصلی انسان در هریک از رفتارهای وی، امید به چیزی است که به دست می‌آورد؛ یا فرار از خسارت‌ها و شروری است که وی را تهدید می‌کند؛ و از اینجاست که تربیت انبیاء براساس انذار و تبشیر صورت پذیرفته است» (مصباح، ۱۳۸۸الف، ص ۷۷) نکته‌ای که بیان آن لازم است اینکه این روش نباید با روش تذکر به وسیله بیان آثار سوء اشتباه گرفته شود؛ چون که هدف اصلی انذار، ترساندن و اعلام خطر است؛ ولی در بیان آثار سوء، لزوماً چنین قصدی در کار نیست. وعید نیز از ماده «وعد» گرفته شده است. به گفته راعب اصفهانی، «وعد» در مورد خیر و شر هر دو به کار می‌رود؛ ولی «وعید» تنها در موارد وعده‌های شر استفاده می‌شود (راعب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۸۷۵). وعید معادل تهدید در زبان فارسی است. واژه وعید شش بار در قرآن کریم آمده که پنج مورد آن به معنای تهدید (ابراهیم، ۱۴؛ طه: ۱۱۳؛ ق: ۱۴ و ۲۸ و ۴۵) و یک مورد آن یکی از نام‌های قیامت است (ق: ۲۰). علامه مصباح ترس موجود در شیوه انذار و وعید را عامل ترک و اصلاح رذایل عاطفی می‌داند و می‌فرماید: با تحقیقات و روش‌های علمی و

بسیاری از موارد، شرط برخورداری از آن لذت بهتر و بادوام‌تر، چشم پوشی از این لذت نازل زودگذر دنیاست. این حالت، شبیه آن است که به کودکی که شکلات و آب نباتی در دست دارد، بگوییم اگر این را کنار بگذاری، یک ساعت دیگر شیرینی و شکلاتی بسیار بهتر و خوشمزه تر به تو خواهیم داد. اگر کودک دو، سه مرتبه این مسئله را تجربه کرد و دید که واقعاً با کنار گذاشتن این آب نبات، چیز بسیار بهتری نصیبش می‌گردد؛ از آن پس دیگر به راحتی از خوردن آب نبات صرف نظر می‌کند و منتظر آن شیرینی بهتر و خوشمزه تر می‌شود. مهم این است که باور کند در صورت گذشتن از لذتی کوچک، حتماً از لذتی بزرگ تر برخوردار خواهد شد. یکی از روش‌های تربیتی ائمه^{علیهم‌السلام} در ارتباط با انسان‌ها دقیقاً همین گونه است. مثل ما مثل همان کودک است و حقایق این عالم را درست درک نمی‌کنیم و به همین دلیل به متاع قلیل دنیا دل می‌بندیم. اما انبیاء که از حقیقت عالم باخبرند، به ما گوشزد می‌کنند که لذتی وجود دارد که بسیار بهتر و پایدارتر از لذت دنیا است: «بَلْ تُؤْتُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی: ۱۷ و ۱۶)؛ لیکن شما زندگی دنیا را برمی‌گزینید، با آنکه آخرت نیکوتر و پایدارتر است (مصباح، ۱۳۸۸ج، ص ۶۰).

ج. تذکر دادن به لذت انس با خدا جهت ترک عواطف مذموم

آنچه که در مرحله قبل بیان شد، راهی است که انبیاء برای تربیت عموم مردم در جهت نجات از محبت دنیا در پیش می‌گیرند؛ اما برای کسانی که همشان عالی تر و معرفشان بیشتر باشد و اندکی مزه انس با خدا و مناجات با او را چشیده باشند، راهی بالاتر نیز وجود دارد. اگر کسی لذت عبادت را درک، و شیرینی انس با حضرت دوست را تجربه کرده باشد، می‌داند که از تمام لذت‌های دنیا بالاتر و عالی تر است. کافی است فقط اندکی از این لذت را به انسان بچشانند. اگر انسان آن لذت را چشید و درک کرد، می‌فهمد که این لذت دنیا سرگرمی و بازیچه‌ای بیش نیست: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ»؛ این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست (مصباح، ۱۳۸۸ج، ص ۶۳). تجربه لذت انس، بهترین راهی است که به وسیله آن می‌توان محبت دنیا را از دل برکنند. این یک قانون کلی است که اگر انسان شیرینی چیزی را چشید، تا چیزی شیرین تر نیابد، از آن دست برنخواهد داشت. همه ما لذت دنیا را چشیده‌ایم و خواه ناخواه به آن دل بستگی پیدا کرده ایم و هنگامی می‌توانیم از آن دل برکنیم که لذتی بالاتر را تجربه

(آل عمران: ۱۳۸)، البته در مواردی، مطالب استدلالی را با مسائل هیجانی به‌گونه‌ای به هم می‌آمیزد که برترین اثر را بر مخاطب داشته باشد. آیات سوره «نحل» نمونه‌ای از این روش است؛ چراکه موعظه و اندرز، بیشتر جنبه عاطفی دارد، که با تحریک آن می‌توان حق جویان را به سمت حق گرایش داد. در حقیقت، حکمت از «بعد عقلی» وجود انسان استفاده می‌کند و «موعظه حسنه» از بعد عاطفی. جرجانی با عنایت به کارکرد و فواید موعظه، در تعریف آن چنین می‌گوید: «موعظه چیزی است که دل‌های سخت را نرم، و چشمان خشک را گریان، و اعمال رشت را اصلاح می‌کند» (جرجانی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۰۴). موعظه سخنی است که به قلب، نرمی و رقت می‌بخشد و عواطف را تحریک می‌کند و موجب می‌شود تا انسان متذکر شود؛ از کجی و پلیدی عواطفش دست بردارد و به عواطف مثبت روی آورد. در نتیجه موعظه دارویی است شفابخش برای دل‌هایی که در اثر ارتکاب گناه و معصیت بیمار گشته و زنگار گرفته است. علامه مصباح در باب نقش موعظه می‌فرماید که نقش موعظه آن است که باورهای ثابت شده را در ذهن و دل آدمی زنده می‌سازد و همیشه وجود آدمی را از یاد آنها سیراب می‌کند و به وی اجازه نمی‌دهد که به سهو، نسیان و فراموشی مبتلا گردد (مصباح، ۱۳۹۰ الف، ج ۲، ص ۲۹۹). در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز به این روش اشاره شده است: «أَخِي قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ وَأَمْتُهُ بِالزَّهَادَةِ»؛ دلت را به موعظه و اندرز زنده بدار و به پارسایی بمیران. حضرت در این روایت می‌فرماید دلت را با موعظه زنده بدار (مصباح، ۱۳۹۱ ج، ص ۳۶). باید بدانیم که موعظه با تذکر متفاوت است؛ چراکه تذکر به معنی یادآوری و همواره ناظر به ویژگی نسیان و فراموشی در انسان است. درحالی‌که موعظه لزوماً ناظر به علم سابق و فراموش شده، نیست؛ و علاوه بر یادآوری، آموزش و تعلیم نیز در آن هست. همچنین موعظه بیشتر بر رقت دل تمرکز دارد؛ درحالی‌که در تذکر بیشتر هوشیار کردن مورد تأکید است. در مورد تفاوت موعظه با انذار نیز همان‌طور که قبلاً بیان شد؛ انذار به معنی خبر دادن توأم با ترساندن است؛ یعنی انذار، خبر دادن به امری ترسناک است؛ درحالی‌که موعظه اعم از آن است؛ در موعظه هم انذار است و هم بشارت، هم نهی است و هم امر. در ارتباط با فرایند موعظه هم می‌توان گفت که سه رکن اساسی یعنی واعظ، محتوا و پیام، و مخاطب وجود دارد که هر یک، اهمیت خاص خود را دارند و بدون هر یک از آنها موعظه

هم با تجربه‌های عادی ما ثابت شده که عامل محرک انسان در بیشتر کارها ترس است و می‌توان گفت در نود درصد موارد، ترس باعث تحریک و تلاش انسان می‌شود و ده درصد رفتار ما از وعده پاداش یا جلب منفعت سرچشمه می‌گیرد. آنچه باعث تلاش بیشتر دانش‌آموزان در تحصیلاتشان می‌شود، ترس از شکست و مردود شدن است و آنان اگر از مردود شدن و تنبیه و سرزنش پدر و مادر و دیگران نمی‌ترسیدند، درس نمی‌خواندند. بسیار اندک‌اند دانش‌آموزانی که تلاش آنان، ناشی از ترس نیست و عشق به علم باعث تلاش و کوشش آنان برای فراگیری علم می‌گردد. براین‌اساس، پدر و مادر برای اینکه فرزندشان را به درس خواندن تشویق کنند، او را از عواقب مردود گشتن و شکست در تحصیل علم می‌ترسانند. در امور معنوی نیز گرچه ما معتقدیم خداوند افزون بر جهنم، بهشت نیز دارد و رحمت خداوند گسترده‌تر و مقدم بر غضب اوست [يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ]؛ اما در بیشتر مردم، ترس از عقوبت الهی باعث انجام وظایف و ترک رذایل می‌گردد و اگر ترس از عقوبت نبود، اندکی از مردم به امید ثواب و پاداش الهی به انجام تکالیف و اصلاح خود می‌پرداختند (مصباح، ۱۳۹۱ ج، ص ۱۵۴). نکته دیگر در مورد این روش آن است که شیوه انذار و وعید در مورد افرادی مؤثر است که از قدرت تفکر و آینده‌نگری برخوردار باشند، به‌گونه‌ای که بتوانند عواقب و پیامدهای محتمل عمل خود را در نظر بگیرند و براساس آن تصمیم‌گیری کنند؛ ازاین‌رو، این روش در مورد کودکانی که از نظر رشد ذهنی از مرحله عملیات عینی گذر نکرده‌اند، کارایی ندارد؛ زیرا این کودکان تنها با مشاهده پدیده‌ها و در حضور آنها می‌توانند درباره آنها تفکر کنند و به نتیجه برسند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۶۱۷).

۲-۵. موعظه

موعظه پند و اندرز همراه با خیرخواهی معنا شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۷۶). موعظه یک روش تربیتی است که با عواطف انسان سروکار دارد و به قلب رقت و نرمی می‌بخشد و رغبت به ترک عواطف منفی را در مرتبی ایجاد می‌کند. قرآن خود را برای مردم، روشنگر (حقایق) و برای پرهیزکاران سراپا هدایت و موعظه شمرده و فرموده است: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»

علامه مصباح ترس ایجاد شده در روش ترهیب که به شیوه انذار و وعید به کار برده می‌شود را عامل ترک و اصلاح رذایل عاطفی می‌دانند.
- موعظه یک روش تربیتی است که با عواطف انسان سروکار دارد و به قلب رقت و نرمی می‌بخشد و رغبت به ترک عواطف منفی را در مرتبی ایجاد می‌کند و دارای سه رکن واعظ، محتوا و پیام و مخاطب است.

منابع.....

- ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمیدین هبه‌الله، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- اسپیلکا، برنارد و دیگران، ۱۳۹۰، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
- انیس ابراهیم و دیگران، ۱۳۶۷، *المعجم الوسیط*، چ سوم، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- برین، سمیرا، ۱۳۹۳، *بررسی جایگاه عقل و عاطفه در تربیت اخلاقی از دیدگاه استاد مطهری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بهشتی، محمد، ۱۳۷۹، «تربیت عواطف از منظر امیرالمؤمنین علی»، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، سال اول، ش ۴، ص ۵۶۹-۵۹۱.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *عمر الحکم و درر الکلم*، بیروت، دار الکتاب الاسلامی.
- جرجانی، علی بن محمد، ۱۴۰۵ق، *التعریفات*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، *روان‌شناسی رشد به نگرش به منابع اسلامی*، تهران، سمت.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر: گفت‌وگوها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۹۵، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، قم، جامعه‌المصطفی.
- حسین‌زاده، علی و هاجر قاسمی، ۱۳۹۵، «تبیین مهم‌ترین روش‌های عاطفی آسیب‌زا در تربیت با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث ائمه»، *پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، سال ششم، ش ۲۲، ص ۷۹-۵۵.
- حسینی‌نسب، داوود، ۱۳۷۵، *فرهنگ تعلیم و تربیت*، تهران، احرار.
- دادجو، یدالله و جابر میر، ۱۳۹۵، «بررسی روش‌های تربیت اخلاقی معصومین در بعد گرایشی»، در: *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی*، تهران.
- داودی، محمد، ۱۳۹۱، *تربیت اخلاقی: سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.
- ربر، آرتور اس، ۱۳۹۰، *فرهنگ روان‌شناسی (توصیفی)*، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران، رشد.

محقق نخواهد شد. جهت ثمردهی بهتر موعظه باید شرایط هریک از سه رکن رعایت شود. مقید کردن «موعظه» به «حسنه» در آیه ۱۲۵ سوره «نحل» شاید اشاره به این است که اندرز در صورتی مؤثر می‌افتد که شرایط هر سه رکن رعایت شود و اینکه خالی از هرگونه خشونت، برتری جویی، تحقیر، تحریک حس لجاجت و مانند آنها بوده باشد. چه بسیار اندرزهایی که اثر معکوس می‌گذارند؛ به دلیل آنکه مثلاً در حضور دیگران و توأم با تحقیر انجام گرفته یا از آن برتری جویی گوینده استشمام شده است. بنابراین موعظه هنگامی اثر عمیق خود را می‌بخشد که «حسنه» باشد و به صورت زیبایی پیاده شود؛ از این رو، خدا به حضرت رسول فرمان داده منافقان را پند ده و به آنها سخنی رسا و مؤثر در جانشان بگویی: «وَعِظْهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِی أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِیغًا» (نساء: ۶۳).

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شده تا روش‌های اصلاح‌گرایانه عاطفه‌مدار در تربیت اخلاقی، براساس آثار آیت‌الله مصباح استخراج شود، که در اینجا به مهم‌ترین نتایج تحقیق اشاره می‌گردد:

- براساس آثار آیت‌الله مصباح دوری از محیط هیجان‌ساز منفی، پرهیز از ارتباط با افراد ناسالم از حیث عاطفی، حفظ عفت و حیا، پرهیز از پرگویی، و پرخواهی و پرخوری، صبر، جلوگیری از طغیان غریزه جنسی، از جمله موارد پیش‌گیری از تشدید عواطف منفی هستند که جهت اصلاح نیز کارایی دارند.

- طبق آثار آیت‌الله مصباح «پیش‌گیری، غفلت‌زدایی، تذکر، ترهیب و موعظه» از جمله روش‌های اصلاح‌گرایانه عاطفه‌مدار در تربیت اخلاقی هستند که هدف آنها حذف یا مبارزه با رذیلت و رفتارهای ناشایست عاطفی است و نقش مهمی در کنترل عواطف و مهار و تضعیف گرایش‌های منفی و همچنین تعالی بخشی و رشد و کمال مرتبی دارند.

- غفلت ریشه تمام انحرافات، اشتباهات و سقوط‌های عاطفی انسان است، که اهمیت روش غفلت‌زدایی را می‌رساند.

- از موارد روش تذکر، جهت اصلاح عواطف مذموم نکات زیر یافت شد: تذکر دادن به آثار و نتایج سوء (بیان پیامد عواطف مذموم)، تذکر دادن به لذت بالاتر و بادوام‌تر در صورت ترک رذیله عاطفی، تذکر دادن به لذت انس با خدا جهت ترک عواطف مذموم.

- سیف، علی‌اکبر، ۱۴۰۰، *روان‌شناسی پرورشی: روان‌شناسی یادگیری و آموزش*، تهران، دوران.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۸۷، *مجمع البحرین*، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فتال نیشابوری، محمدبن حسن، ۱۴۲۳ق، *روضه‌الواعظین و بصیره‌المتعظین*، قم، دلیل ما.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، قم، هجرت.
- فرم‌پینی فراهانی، محسن، ۱۳۷۸، *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*، قم، اسرار دانش.
- فیومی مفری، احمدبن محمد، ۱۳۸۰ق، *المصباح المنیر*، بیروت، مکتبه لبنان.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۵، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم، شریف الرضی.
- محمدری شهری، محمد، ۱۳۶۳، *میزان الحکمه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۵، *توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام*، قم، شفق.
- _____، ۱۳۷۶، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۴، *به سوی خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۶الف، *خودشناسی برای خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۶ب، *سخنرانی در مورد موانع توبه*، قم، دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۲۶.
- _____، ۱۳۸۸الف، *انسان‌سازی در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۸ب، *رستگاران*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۸ج، *پیام مولا در بستر شهادت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰الف، *پند جاوید*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰ب، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، دوجلدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱الف، *معارف قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱ب، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱ج، *پندهای الهی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱د، *ردتوشه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱ع، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱و، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.
- _____، ۱۳۹۱هـ، *عروج تا بی‌نهایت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۲، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۳، *جرعه‌ای از دریای راز*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۴، *پندهای امام صادق*، به رهجویان صادق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۵، «بعاد وجود انسان و مفهوم تربیت دینی»، در: *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۸، *بال‌های پرواز ۱*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۹، *سخنرانی در مورد رابطه بین محبت و معرفت*، قم، حسینیه مجازی سیدالشهدا، ۱۳۹۹/۰۶/۰۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۸، *پیام قرآن*، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین.
- همت بناری، علی و محمد امینی، ۱۳۹۹، «روش‌های عاطفی در تربیت اصلاحی از دیدگاه احادیث»، *پژوهش‌نامه علوم حدیث*، سال هفتم، ش ۱۳، ص ۲۳-۵۰.